



University of Tehran

Examination of the Validity of Near-Death Experiences

Seyyed Jaaber Mousavirad 

Department of Islamic Philosophy and Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: mousavirad@atu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received June 1, 2022
Revised February 7, 2023
Accepted February 12, 2023

Keywords:
Near-death experience,
Death,
Afterlife,
Soul,
Substance dualism

ABSTRACT

So far, various cases of near-death experiences have been reported by different people around the world. In addition to examining the reasons given in by the proponents and opponents of these experiences, this article proves that one cannot deem all these experiences as valid or invalid. Rather, various near-death experiences should be differentiated: (a) some experiences for which no natural explanation exists are valid; (b) some cases that are against rational and religious teachings are invalid; and (c) no decisive stance can be taken about some others; rather, one can deem the accuracy of these experiences as possible. Another important point is that the acceptance of the validity of some of these experiences does not mean that the experiencers have really entered the intermediary world and returned from it. Rather, their accuracy means that these experiences do not originate from mind and hallucination, but rather God has decided that the soul of some humans experiencing the near-death experiences get separated from their bodies so that those individuals can see parts of the realities related to the afterlife. This way, these experiences turn into a reminder of the afterlife for the experiencers and others.

Cite this article: Mousavirad , S. J.(2023). Examination of the Validity of Near-Death Experiences. *Philosophy of Religion*. 19 (4), 489-500.
Doi: 10.22059/jpht.2023.343942.1005906



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.343942.1005906>

Publisher: University of Tehran Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

بررسی میزان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ

سید جابر موسوی راد

گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mousavirad@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

کلیدواژه:

تجربه نزدیک به مرگ،

جهان آخرت،

دوگانگانگاری جوهری،

مرگ،

نفس.

موارد متعددی از تجارب نزدیک به مرگ توسط انسان‌های مختلف در نقاط گوناگون دنیا گزارش شده است. این پژوهش ضمن بررسی دلایل موافقان و مخالفان این تجارب، اثبات می‌کند که نه می‌توان تمام این تجارب را معتبر دانست و نه اینکه تمام آنها را نادرست تلقی کرد، بلکه باید بین انواع تجارب نزدیک به مرگ تمایز نهاد: الف) نسبت به برخی از تجارب که تبیین طبیعی وجود ندارد، این تجارب دارای اعتبارند؛ ب) نسبت به مواردی که مخالف آموزه‌های عقلی و دینی‌اند، این تجارب فاقد اعتبارند؛ ج) در خصوص برخی دیگر نمی‌توان موضع قاطعی اتخاذ کرد و تنها می‌توان صحت آن تجارب را محتمل دانست. نکته مهم دیگر اینکه پذیرش اعتبار برخی از این تجارب بدین معنا نیست که تجربه‌گران واقعاً وارد جهان برزخ شده و سپس از جهان برزخ بازگشته‌اند، بلکه مقصود از درستی این است که این تجارب محصول ذهن و توهم نیست، بلکه خداوند اراده کرده که روح برخی انسان‌ها در حالات نزدیک به مرگ، از بدن آنها جدا شود و آنها گوشه‌ای از حقایق مرتبط با جهان پس از مرگ را مشاهده کنند تا هم برای خود ایشان و هم برای دیگران، نوعی یادآوری جهان آخرت محسوب شود.

استناد: موسوی راد، سید جابر (۱۴۰۱). بررسی میزان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ. نشریه علمی فلسفه دین. ۱۹(۴)، ۴۸۹-۵۰۰.

Doi: 10.22059/jpht.2023.343942.1005906

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسنده‌گان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.343942.1005906>



۱. مقدمه

افراد زیادی در طول تاریخ گزارش‌هایی را در خصوص تجارب نزدیک به مرگ نقل کرده‌اند. در دوران معاصر، اولین شخصی که به صورت آکادمیک پژوهش‌های گسترده‌ای را در زمینه این تجارب ارائه داد، ریموند مودی بود. وی در کتاب خود با عنوان *زندگی پس از زندگی*^۱، نمونه‌های زیادی از این تجارب را توصیف و به شباهت‌ها و تفاوت‌های این تجارب اشاره می‌کند (Moody, 2001). برخی اموری که به عنوان مشترکات تجارب نزدیک به مرگ بیان می‌شود، به شرح زیرند: ۱. توصیف کامل این تجارب امکان‌پذیر نیست؛ ۲. زمان در این تجارب مدخلیتی ندارد، به این معنا که گاهی وقایع زیادی در لحظه واحدی تجربه می‌شود؛ ۳. جدا شدن روح از بدن و مشاهده بدن توسط روح ۴. شنیدن سخن پزشک، پرستاران و افراد دیگر، و در عین حال عدم امکان تماس و تلاقی جسمی (مادی) با آنان؛ ۵. مشاهده تونل؛ ۶. مشاهده افراد متوفی؛ ۷. مشاهده وقایع و کارهای انجام‌گرفته توسط فرد در طول عمر؛ ۸. بازگشت به دنیا با شنیدن صدایی که معمولاً حاوی این پیام است که هنوز زمان مرگ شما فرا نرسیده است؛ ۹. تغییر نگاه به زندگی که به طور معمول با نوعی نترسیدن از مرگ همراه است؛ ۱۰. مشاهده موجودی نورانی که از نظر مسیحیان حضرت عیسی و از نظر ادیان دیگر فرشته خدا یا موجود دیگری است (Moody, 2010: 12-18; Hick, 1990: 129-130).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا وجود برخی شباهت‌ها در این تجارب، می‌تواند حاکی از واقعیت آنها باشد؟ آیا این تجارب نتیجه فعل و انفعالات مغزی نیست؟

در این زمینه، برخی تلاش کرده‌اند تبیینی طبیعی از تجارب نزدیک به مرگ ارائه کنند و این تجارب را برآمده از فعل و انفعالات مغزی، توهمات یا مصرف داروهای خاص بدانند. در مقابل، برخی دیگر تلاش کرده‌اند اثبات کنند که این تجارب دلیلی مستحکم بر وجود روح، استقلال روح و وجود حیات پس از مرگ است.

در این مقاله ضمن بررسی ادله دو گروه، تلاش شده است موضعی معتدلانه راجع به میزان اعتبار این تجارب بر اساس شواهد و دلایل اخذ شود.

اگرچه تاکنون مقالاتی در خصوص میزان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ نگاشته شده (گوهری، ۱۳۸۸؛ ساعی و قاسمیان‌نژاد، ۱۳۹۳؛ فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۸؛ رضایا و اعتمادی‌نیا، ۱۳۹۳؛ اعتمادی‌نیا، ۱۳۹۱)، اما نوآوری این مقاله بدین لحاظ است که اولاً تفصیل مطرح‌شده در این مقاله در ذیل دیدگاه مختار و ادله مطرح‌شده در این زمینه، در مقالات یادشده مطرح نشده است؛ ثانیاً برخی پاسخ‌هایی که در نقد دیدگاه مخالفان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ مطرح شده است، نو و جدیدند؛ ثالثاً برخی دلایل و مراجعه به منابع جدید در مقالات مشابه وجود ندارد.

۲. بررسی ادله موافقان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ

مدافعان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ معتقدند شواهد زیادی وجود دارد که اعتبار این تجارب را اثبات می‌کند. از نگاه ایشان، برای بررسی تجارب نزدیک به مرگ نباید به برخی کلی‌گویی‌ها بر اساس برخی از مثال‌های ساده بسنده کرد و به سادگی تمام این تجارب را برآمده از فعل و انفعالات مغز دانست، بلکه باید مثال‌های جزئی و پیچیده با دقت بررسی شود. در این صورت می‌توان به شواهدی دست یافت که نشان می‌دهد این تجارب برآمده از مغز مادی نیستند، بلکه وجودی فرامادی (روح انسانی) این تجارب را درک کرده است. برخی از شواهدی که تبیین مادی‌انگارانه (مغزی صرف) از تجارب نزدیک به مرگ را رد می‌کنند عبارت‌اند از:

۱. شواهد تجربه‌گر از نزدیک: در بسیاری از موارد، فرد تجربه‌گر مواردی را مشاهده کرده است که تنها توسط کسی قابل شناخت است که در حالت آگاهانه، اطلاعات کاملی از داخل آن اتاق و شرایط آنجا داشته باشد یا به دست آورد. فرد تجربه‌گر در حالت کما اموری را مربوط به لباس خاص اعضای تیم احیا، ترتیب وقایع و سائر جزئیات اتاق اورژانس مشاهده کرده است که تنها یک انسان آگاه با مشاهده و بررسی دقیق می‌تواند آن اطلاعات را به دست آورد. برای نمونه، موارد زیر در تجارب نزدیک به مرگ مشاهده شده‌اند:

الف) یکی از تجربه‌گران پس از اتمام روند جدایی روح از بدن (در حالت ناخودآگاهی مغز)، به پرستار بخش آی سی یو

می‌گوید که وی را دیده و بند کفش وی شکل شطرنجی داشته است. این در حالی است که آن پرستار برای اولین بار آن کفش را پوشیده و امکان مشاهده آن کفش توسط فرد تجربه‌گر پیش از آن هرگز وجود نداشته است.

(ب) مورد دیگر، فردی بود که حدود ۱۷ دقیقه نبض نداشت و به لحاظ پزشکی، حداقل بخشی از مغز وی از حالت فعالیت بازایستاده بود. پس از سه روز وی به حالت عادی برمی‌گردد و درحالی‌که در طول این مدت چشم وی بسته بود، او تمام مشخصات پزشکان و پرستاران خود و وضعیت اتاق‌هایی را که وی برای عکسبرداری و ... به آنها منتقل شده بود، به‌صورت دقیق گزارش می‌کند.

(ج) برخی افراد جزئیات اتاق آی. سی. یو و وضعیت قرار گرفتن مبلمان، وسایل، اتفاقات رخ داده، کیفیت عمل جراحی و ... را به‌صورتی دقیق گزارش کرده‌اند که حتی توسط یک شخص آگاه در حالت عادی نیز قابل مشاهده نیست، بلکه نیازمند بررسی تمام ابعاد و زوایای اتاق به‌صورت دقیق و جزئی است. برخی تجارب تنها توسط فردی قابل مشاهده است که از بالا، اشراف کاملی بر اتاق داشته باشد و بتواند بر جزئیات کامل جراحی خود و امور دیگر را نظارت کند. در برخی منابع، حداقل ۱۲۰ نمونه از این موارد گزارش شده است (Greyson, 2010: 161; Habermas, 2018: 231-234).

۲. شواهد از راه دور تجربه‌گر: در موارد متعددی فرد تجربه‌گر وقایعی را مشاهده کرده که مربوط به خارج از اتاق آی سی یو بوده، و این مشاهدات بعداً تأیید شده است. برای نمونه یکی از مشاهده‌گران، خارج از اتاق آی سی یو، اتاق‌هایی را که ده‌ها متر با وی فاصله داشته، مشاهده کرده، صحبت‌هایی که بین افراد پرستار رد و بدل شده شنیده و جزئیات کامل اتاق‌هایی را که وی با بدن جسمانی قبلاً هرگز وارد آنها نشده بود، توصیف می‌کند (موزون، ۱۴۰۱). با توجه به عدم مشاهده و دسترسی وی به این موارد، تنها تبیین قابل قبول این است که روح این فرد این موارد را مشاهده کرده است.

۳. مشاهده اشخاص متوفی: در برخی تجارب، فرد تجربه‌گر افرادی را دیده که از این دنیا رفته‌اند، درحالی‌که وی اطلاعاتی از مرگ آنها نداشته است یا اینکه آن فرد در همان زمان که آن شخص در حالت کُما بوده، از دنیا رفته و شخص تجربه‌گر وی را در حالت نزدیک به مرگ مشاهده کرده است؛ یا اینکه فرد تجربه‌گر شخص متوفی را اساساً نمی‌شناخته و پس از پایان تجربه، اطلاعاتی در مورد آن شخص به‌دست آورده است. حتی در برخی موارد، فرد تجربه‌گر در حین تجربه، اطلاعاتی درباره شخص متوفی به‌دست آورده که تا پیش از آن توسط هیچ‌کسی شناخته‌شده نبود، ولی بعداً صحت و اعتبار آن ثابت شد. در این موارد نمی‌توان گفت که چون شخصی دوست داشته یا آرزو داشته شخصی متوفی را ببیند، در فرایندی مغزی چنین شخصی را مشاهده کرده است؛ زیرا این تجارب حاوی اطلاعاتی حاکی از ارتباط روح با این اشخاص است و تبیینی مغزی از آنها نمی‌توان ارائه داد (Greyson, 2010: 162-169).

۴. شواهد مربوط به اشخاص نابینا: مواردی گزارش شده است که فردی از ابتدای تولد نابینا بوده، اما در تجربه خود افراد و وقایعی را به‌صورت جزئی مشاهده کرده و پس از بررسی، جزئیاتی که وی بیان کرده، با واقع تطابق داشته است. در پژوهشی، ۳۱ تجربه افراد نابینا بررسی شد و گزارش‌ها به‌حدی دقیق بودند که نمی‌توان آنها را ساختگی، بازسازی ذهنی، حدس یا تخیل دانست. موافقان اعتبار تجارب پس از مرگ می‌گویند امکان تبیین طبیعی از این تجارب وجود ندارد، زیرا قدرت مغز در مشاهده اشیاء منوط به وجود چشم است و انسان نابینا نمی‌تواند جزئیات اشیای حسی را مشاهده کند. بنابراین باید مُدرک این تجارب را روح انسان دانست (Habermas, 2018: 237-238).

۵. شواهد مربوط به امور غیبی یا خبر دادن از آینده: در بعضی موارد، شخص مشاهده‌گر اطلاعاتی را در این تجربه دریافت کرده که پنهان است یا اینکه از اموری مطلع شده است که در آینده واقع می‌شود. برای نمونه در یکی از این تجارب، شخصی پدرش را مشاهده می‌کند. درحالی‌که آن شخص (به‌همراه مهندسان متخصص) مدت‌ها به‌دنبال مکان مناسبی برای حفر چاه برای یافتن آب بودند و مکانی را که در آن آب وجود داشته باشد نمی‌یافتند، پدر وی دقیقاً مکان حفر چاه را که در آن آب فراوانی یافت می‌شود، به وی نشان می‌دهد. همچنین وی از لکنت زبان شدید یکی از اقوام خویش در چهارسالگی نگران بوده است. پدر وی آینده این کودک در هفت‌سالگی را درحالی‌که هیچ لکنت زبانی ندارد، به وی نشان می‌دهد. چند سال بعد دقیقاً همان شخص با همان چهره نشان داده‌شده بدون لکنت زبان به سن هفت‌سالگی می‌رسد (موزون، ۱۴۰۰).

۶. شواهد مربوط به توقف فعالیت قلب و مغز: در برخی موارد، افرادی وجود داشته‌اند که مغز و قلبشان از عمل بازایستاده، در عین حال مشاهدات خاصی داشته‌اند. این گزارش‌ها را نمی‌توان به فعالیت‌های مغزی نسبت داد، زیرا در این افراد تمامی فعالیت‌های مغزی متوقف شده است (Hasker & Taliaferro, 2019).

۳. بررسی ادله مخالفان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ

مخالفان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ معتقدند این تجارب نمی‌تواند دلیل معتبری بر وجود نفس یا جهان پس از مرگ باشد. مهم‌ترین دلایلی که ایشان برای نفی اعتبار تجارب نزدیک به مرگ ارائه کرده‌اند، به شرح ذیل است:

۱. امکان تبیین علمی وقایع نزدیک به مرگ: وقایعی که برای انسان‌ها نزدیک به مرگ اتفاق می‌افتد، ناشی از فعالیت‌های مغزی است. برای نمونه برخی گفته‌اند ممکن است این تجارب حاکی از مصرف داروهای خاص باشد. برخی دیگر گفته‌اند تجارب تونل و نور و .. به سبب کمبود اکسیژن در مغز رخ می‌دهد. برخی دیگر روی ناخودآگاه انسان تأکید دارند و (Kellehear, 2003: 613-614; Augustine, 2015: 529-570)

شاهد دیگر بر اینکه این مشاهدات از فعالیت‌های مغزی به دست می‌آیند این است که بسیاری از آنچه در این لحظات مشاهده می‌شود، مرتبط با فعالیت‌های مغزی قبلی است. برای مثال کسی که خلبان بوده، در تجربه نزدیک به مرگ خود را در حال پرواز بر روی یک اقیانوس دیده است. این موارد تأیید می‌کند که مغز انسان در بخش ناخودآگاه خود، اموری را ذخیره می‌کند و با تغییر آنها تجارب نزدیک به مرگ اتفاق می‌افتد. البته موارد معدودی گزارش شده که فردی وقایعی را گزارش می‌کند که خارج از آن اتاق بوده و نمی‌تواند ناشی از فعالیت‌های مغزی باشد، اما این موارد اولاً خیلی معدودند، ثانیاً شاید این ادعاها صادق نباشد (Marsh, 2018: 252-253).

همچنین در برخی موارد گزارش شده که فعالیت‌های مغزی در زمان تجربه متوقف شده است، اما این شواهد نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد، زیرا ممکن است نوار مغزی نتواند تمام فعالیت‌های مغزی را نشان دهد. حتی بر فرض توقف کامل مغز، ممکن است تجربه نزدیک به مرگ پیش یا پس از این توقف باشد و دلیلی وجود ندارد که این تجارب همزمان با توقف مغز واقع شده است (Hasker & Taliaferro, 2019).

۲. تأثیرپذیری تجارب نزدیک به مرگ از شرایط فرهنگی: تجارب نزدیک به مرگ از محیط و فرهنگ خاصی که در آن افراد رشد کرده‌اند، ناشی می‌شود. برای نمونه در یکی از گزارش‌ها، فردی مسیحی با تجربه‌ای از جهنم مواجه شد که متأثر از اعتقاد مسیحیان در خصوص جهنم است. در این تجربه، وی موجودات مودی را دید که وحشت زیادی را به وجود آورده بودند. سپس وی به بهشت منتقل شد و در آنجا با مردم شاد، موسیقی و مناظر خوشبو مواجه شد. سپس بعد از اتمام این تجربه، وی اموال خود را فروخت، راهب مسیحی شد و به توبه‌های روزانه ادامه داد. در مقابل فردی هندو در تجربه نزدیک به مرگ، با خدای مرگ هندوها مواجه شده است که با باورهای دینی هندوئیسم سازگار است (Marsh, 2018: 249).

۳. عجیب بودن برخی تجارب: برخی تجارب گزارش شده، عجیب و غریب‌اند. برای نمونه شخصی در تجربه خود پدرش را که پانزده سال قبل فوت کرده، دید و پدرش دقیقاً همان لباس پانزده سال پیش (همان ژاکت و شلوار) را پوشیده بود. عجیب بودن این تجربه بدین لحاظ است که چطور پدر وی در طول تمام پانزده سال هرگز لباس خود را عوض نکرده و آن فرد وی را با همان لباس پانزده سال قبلی مشاهده می‌کند. این‌گونه نمونه‌های عجیب، شواهدی بر بی‌اعتباری تجارب دینی است (Marsh, 2018: 249-250).

۴. عدم دلالت مشاهده افراد متوفی بر درستی تجارب: مشاهده افراد متوفی که شخص تجربه‌گر اطلاعی از مرگ آنها ندارد، نمی‌تواند دلیلی بر درستی تجارب نزدیک به مرگ باشد، زیرا مواردی نیز وجود دارد که شخص تجربه‌گر، افرادی را که زنده‌اند، مشاهده کرده است. اگر واقعاً این تجارب مربوط به پس از مرگ هستند، طبیعتاً افراد زنده در این دنیا نباید در این تجارب مشاهده شوند. مشاهده افراد زنده، ارزش و اعتبار مشاهدات مربوط به مشاهدات افراد متوفی را بی‌اعتبار می‌سازد (Hasker & Taliaferro, 2019).

۵. تفاوت توصیفات سیمای حضرت عیسی و توصیف بهشت: مسیحیان معتقدند در لحظه مرگ حضرت عیسی را می‌بینند. از آنجا که حضرت عیسی اصالتاً سفاردی بوده، احتمالاً وی چهره‌ای تیره با موهای سیاه داشته است، اما در این تجارب وی با موهای زرد و صورت سفید مشاهده شده است که با نژاد وی سازگاری ندارد. در مورد توصیفات بهشتی نیز، این توصیفات بیشتر شبیه فیلم‌های هالیوودی است. آسمان آبی، تپه‌های زیبا، گل‌ها، زمین‌های رنگارنگ، موسیقی و ... از توصیفات ذهنی انسان در فیلم‌ها گرفته شده است. توصیفات نور بعد از مرگ و ... نیز بعضاً با هم تفاوت‌هایی داشته است. این امور نشان می‌دهد که این توصیفات بیشتر متأثر از فرهنگ و باورهای پیشین انسان‌هاست، نه اینکه توصیف واقعی جهان آخرت باشد (Marsh, 2018: 250-252).

۶. جسمانی بودن گزارش‌های نزدیک به مرگ: در موارد متعددی در گزارش‌های نزدیک به مرگ، فرد تجربه‌گر خود را در حالتی می‌دیده که روی پا راه می‌رود. لباسی با رنگ خاصی پوشیده است. جنس سنگ‌هایی را که روی آنها راه می‌رفته، حس می‌کرده است. این شواهد نشان می‌دهد این گزارش‌ها نمی‌توانند روحانی باشند، زیرا روح وجود جسمانی ندارد، راه نمی‌رود و لباس نمی‌پوشد، درحالی که این توصیفات با ویژگی‌های جسمانی همراه بوده‌اند (Marsh, 2018: 253-254).

۷. عدم دلالت اطلاعات جدید بر درستی تجارب: چنانکه در بحث ادله مدافعان توضیح داده شد، در برخی از این تجارب، فرد تجربه‌گر اطلاعاتی را از داخل اتاق یا خارج از آن گزارش می‌کند که تنها از طریق تجارب روحی تبیین‌شدنی‌اند. در مورد این اطلاعات جدید این نقد مطرح شده است که بسیاری از این شواهد ممکن است توسط گوش انسان شنیده شود (بدون اینکه انسان توجهی داشته باشد) و سپس در ناخودآگاه انسان ذخیره شود. مواردی نیز وجود دارد که اطلاعات ارائه‌شده توسط فرد تجربه‌گر دقیق نبوده‌اند و نمی‌توانند دلیلی بر درستی این تجارب باشند. در برخی موارد ممکن است فریب‌هایی (اگرچه غیرعمدی) وجود داشته باشد، بدین‌نحو که فرد حادثه‌ای کلی را نقل می‌کند و در اثر تکرار مواردی به آن می‌افزاید (Hasker & Taliaferro, 2019). ادله مخالفان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ، در ادامه ذیل دیدگاه برگزیده بررسی و نقد می‌شود.

۴. دیدگاه برگزیده

دیدگاه برگزیده این است که نه اعتبار تمام تجارب نزدیک به مرگ پذیرفته شود و نه درستی همه انکار شود، بلکه باید بین انواع تجارب نزدیک به مرگ، تفصیل قائل شویم. تجارب نزدیک به مرگ به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱. تجارب قطعاً نامعتبر، ۲. تجارب محتمل و ۳. تجارب قطعاً معتبر. در ادامه این سه نوع بررسی می‌شود:

۱.۴. تجارب قطعاً نامعتبر

نسبت به برخی از این تجارب، دلایل قطعی بر بی‌اعتباری آنها وجود دارد. تجاربی که کاملاً در تضاد با آموزه‌های عقلانی یا وحیانی باشند، هرگز قابل قبول نیستند. در این موارد، نه تنها اعتبار این تجارب اثبات نشده، بلکه دلایل عقلی یا وحیانی بر ضد اعتبار آنها وجود دارد. در مورد این تجارب دو احتمال وجود دارد:

الف) ممکن است این تجارب نوعی توهم ذهنی باشد که حاصل فعل و انفعالات مغزی است، مانند رؤیاهای آشفته‌ای که انسان‌ها در خواب می‌بینند و حاکی از هیچ‌گونه واقعیتی نیست.

ب) این احتمال نیز وجود دارد که این تجارب نوعی القائات شیطانی باشد. با توجه به سلطه شیطان بر بشر دارد، وی توانایی فریب دادن انسان را دارد. در برخی روایات اسلامی به این مسئله اشاره شده است که شیطان هنگام احتضار نزد انسان می‌آید و تلاش می‌کند وی را به کفر و تشکیک در دین بکشاند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۲۳).^۱ به همین نحو، ممکن است شیطان گاهی اوقات تلاش کند با القائات خود، انسان نزدیک به مرگ را از مسیر درست منحرف کند. از این رو این دسته تجارب ضد دینی یا عقل، هرگز الهی نیستند.

۱. عن أبي عبد الله ع قال: ما من أحد يحضره الموت إلا وكل به إبليس من شيطانه أن يأمره بالكفر و يشككه في دينه حتى تخرج نفسه فمن كان مؤمناً لم يقدر عليه فإذا حضرتم موتكم فلقنوهم شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسوله ص حتى يموت.

۲.۴. تجارب محتمل

نسبت به برخی از این تجارب، نه دلیل معتبری بر درستی آنها و نه دلیل مستحکمی بر بی‌اعتباری آنها وجود دارد. در این موارد، نه می‌توان آن تجارب را قطعاً درست دانست و نه آن را رد کرد، بلکه (به تعبیر حکمای مسلمان) باید آن را در بقعه امکان قرار داد.^۱ تجاربی که با آموزه‌های دینی سازگارند، اما در عین حال تبیین طبیعی نیز دارند، در این گروه جای می‌گیرند، زیرا به همان اندازه که احتمال دارد این تجارب، تصویری از واقعیت جهان پس از مرگ باشند، ممکن است انسان‌ها بر اثر تصورات پیشین مذهبی و فعل و انفعالات مغزی، اموری را در این تجارب مشاهده کنند؛ نظیر کسانی که خواب‌هایی را می‌بینند که نه دلیل قطعی بر اعتبار آنها، و نه دلیل قطعی بر بی‌اعتباری آنها وجود دارد.

۳.۴. تجارب قطعاً معتبر

نسبت به برخی تجارب نزدیک به مرگ، دلایل قطعی بر اعتبار آنها وجود دارد. این تجارب علاوه بر سازگاری با عقل و نقل، هیچ‌گونه تبیین طبیعی و حسی ندارند؛ به همین سبب، نمی‌توان آنها را محصول فعل و انفعالات مغزی دانست، بلکه باید گفت این تجارب چند چیز را اثبات می‌کنند:

(الف) با توجه به اینکه این تجارب تبیین طبیعی ندارند، باید علتی فراطبیعی داشته باشند. البته منظور این نیست که این تجارب، تمام صفات کمالی این موجود فراطبیعی (خدا) را اثبات می‌کند، بلکه کارکرد این تجارب این است که نشان دهد علتی فراطبیعی، ایجادکننده این تجارب است.

(ب) با توجه به محدودیت‌های بدن مادی و مشاهده مواردی که امکان تجربه با بدن مادی وجود ندارد (مثل مشاهدات از راه دور و ... که در بخش ادله مدافعان توضیح داده شد)، این تجارب توسط نفس غیرمادی واقع شده است. البته وجود ویژگی‌های مادی مانند زمان و مکان مند بودن تجارب و مشاهده اموری مادی جهان، تنافی با تجربه‌گری نفس مجرد ندارد، زیرا نفس مجرد در مرتبه مثالی، ویژگی‌هایی چون بُعد، زمان، مکان و ... را دارد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۲۱-۳۲۲) و می‌تواند تجاربی در عالم ماده داشته باشد.

(ج) با توجه به تطابق این مشاهدات با ویژگی‌هایی که در متون دینی برای برزخ ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که خداوند اراده کرده است تا انسان برخی از وقایع پس از مرگ را که در متون دینی توصیف شده است، در این تجارب مشاهده کند. البته این طور نیست که فرد واقعاً به عالم پس از مرگ منتقل شده باشد سپس برگردد، بلکه این تجارب نشان می‌دهد خداوند اراده کرده است که روح از بدن فرد خارج شود و آن شخص، گوشه‌ای کوچک از حوادث پس از مرگ را مشاهده کند و سپس به دنیا بازگردد. بنابراین هیچ ضرورتی ندارد که تمام توصیفات دینی در مورد وقایع پس از مرگ، در این تجارب مشاهده شود، بلکه همین که فرد تا حدی با جدایی روح از بدن و مشاهده گوشه‌ای کوچک از عالم پس از مرگ آشنا شود، برای اثبات روح و جهان پس از مرگ کافی است. البته ممکن است برخی افراد عزرائیل یا برخی از ائمه معصومین (ع) یا گوشه‌ای از نعمت‌های بهشت یا عذاب برزخی را مشاهده کنند، اما با توجه به اینکه مرگ واقعی رخ نداده است، ضرورتی ندارد تمام جزئیاتی که در آیات و روایات درباره وقایع پس از مرگ نقل شده، توسط افراد تجربه‌گر مشاهده شود.

بر این اساس، به سراغ نقد آقای ریموند مودی می‌رویم. وی اگرچه اعتبار تجارب نزدیک به مرگ را انکار نمی‌کند، معتقد است این تجارب با دیدگاه مسیحیان در خصوص جهنم سازگاری ندارد. وی می‌گوید در تجاربی که نقل شده است، خبری از جهنم نیست. حتی کسانی که از قبل به مدل پاداش و عقاب معتقد بودند و به این مفاهیم فکر می‌کردند، چنین تصویری از جهنم را تجربه نکرده‌اند. کسانی که اعمال گناهکارانه زیادی داشتند، نوری را مشاهده کردند که به جای خشم و عصبانیت، به آنها تعلیم جدیدی را ارائه می‌دهد و با شوخ‌طبعی با آنان مواجه می‌شود (Moody, 2001: 90-91).

در پاسخ به وی باید گفت اولاً در بسیاری از تجارب نزدیک به مرگ، افرادی بوده‌اند که عذاب‌های پس از مرگ را نیز مشاهده کرده‌اند. برای نمونه یکی از تجربه‌گران با موجود بسیار هولناکی مشاهده می‌شود که از نگاه وی از تمام موجودات دنیوی

۱. ایاک آن تکون تکیسک و تبرزک عن العامه هو أن تنبری منکرا لکل شیء ... فالصواب أن تسرح أمثال ذلک إلى بقعه الإمكان ما لم یذک عن قائم البرهان (ابن‌سینا، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

ترسناک‌تر است (موزون، ۱۴۰۰ الف). در تجارب متعدد دیگری نیز که برخی آن را «تجارب ناراحت‌کننده»^۱ نام نهاده‌اند، برخی تجربه‌گران اموری شبیه عذاب و جهنم را تجربه کرده‌اند (Greyson & Bush, 1992).

ثانیاً، چنانکه از مباحث قبلی روشن شد، هیچ ضرورتی وجود ندارد که در این تجارب، فرد مشاهده‌کننده تمام وقایعی را که در متون دینی نقل شده، مشاهده کند، زیرا این فرد در واقع از دنیا نرفته، بلکه تجربه‌ای نزدیک به مرگ را داشته که در آن خداوند برخی از جزئیات پساز مرگ را به وی نشان داده است. در واقع منظور از اعتبار این تجارب نزدیک به مرگ این نیست که این افراد واقعاً حیات خود را از دست داده و سپس بعد از مدتی از جهان برزخ برگشته‌اند، بلکه مقصود این است که انسان علاوه بر جسم دارای روح غیرجسمانی بوده و خداوند اراده کرده، روح برخی افراد نزدیک به مرگ از بدنشان جدا شود و بعضاً گوشه‌ای کوچک از عالم فراماده را مشاهده کنند. این تجارب اثبات می‌کند که انسان محدود به وجود مادی نیست و دارای حقیقتی فراطبیعی است که این وجود بعد از مرگ باقی می‌ماند.

تذکر چند نکته دیگر در خصوص اعتبار این تجارب ضروری است:

الف) نمی‌توان ادعا کرد که در تمام این موارد، انسان‌هایی دروغ‌پرداز و وقایعی را بازگو کرده‌اند و این گزارش‌ها همراه با دروغ یا مبالغه یا اختلال در حافظه و... است، زیرا هزاران گزارش از این وقایع به دست رسیده است و بسیاری از افرادی که در نقاط مختلف دنیا این امور را تجربه کرده‌اند، انسان‌های دروغگویی نبوده‌اند. البته در این امور هم همانند تجارب دیگر این امکان وجود دارد که برخی دروغ‌هایی را بگویند، اما با وجود گواهی‌ها و گزارش‌های متعدد، معقول نیست تمام این تجارب دروغ دانسته شود. در واقع می‌توان گفت اموری که در تجارب نزدیک به مرگ گزارش شده است، به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از آنها ضمن اینکه تبیین مادی ندارند، توسط افراد متعدد گزارش شده‌اند و از این رو اعتبار آنها قطعی است. برای نمونه در موارد متعددی، تجاربی واقع شده که فرد دسترسی مادی به آنها نداشته است. با توجه به کثرت این تجارب در بین ملت‌ها و اقوام مختلف، می‌توان این تجارب را به‌صورت جهانی، معتبر دانسته و ارزشی معرفتی آنها را قطعی دانست.

در مقابل برخی از جزئیات ممکن است تنها توسط افراد معدودی گزارش شده باشند. در این موارد، اگر این افراد مورد اعتماد بوده و با راستی آزمایی معلوم شود که این تجارب تبیین طبیعی ندارند، بر اساس اعتبار خبر واحد (ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۳) یا اصل گواهی (Audi, 2005: 128-147) می‌توان ارزش معرفتی آنها را با احتمال زیاد و بعضاً نزدیک به یقین اثبات کرد.

ب) در مواردی که تجارب، مردّد بین چند شخص هستند، باید بین خود تجربه و تفسیر تجربه تمییز قائل شد. برای نمونه اینکه فردی در لحظه مرگ شخصی نورانی را مشاهده کرده است، لزوماً به این معنا نیست که آن شخص، فرد موردنظر پیروان یک دین خاص (برای مثال حضرت عیسی در مسیحیت) باشد. آنچه در تجربه این شخص مشاهده شده، شخصی نورانی است، اما تطبیق آن بر شخص خاص، عملیاتی خارج از خود تجربه است.

ج) برخی در بحث تجربه دینی این دیدگاه را مطرح کرده‌اند که تجربه دینی امری شخصی است که تنها برای تجربه‌گر معتبر است و پذیرش آن برای دیگران ضرورت معرفت‌شناختی ندارد (جیمز، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۶). نظیر این سخن ممکن است درباره تجارب نزدیک به مرگ نیز مطرح شود که این تجارب تنها برای کسانی که آنها را تجربه کرده‌اند، معتبر است و برای دیگران ارزشی ندارد.

این دیدگاه قابل پذیرش نیست، زیرا از مباحث قبلی روشن شد که چند معیار برای راستی‌آزمایی هر مورد تجربه جزئی نزدیک به مرگ وجود دارد: الف) سازگاری با عقل و دین؛ ب) عدم امکان تبیین طبیعی و مادی تجربه نزدیک به مرگ؛ ج) تعدد نقل در گزارش‌های متواتر نسبت به یک واقعه، یا راستگو و مورد اعتماد بودن در مواردی که تعدد نقل وجود ندارد. در صورتی که این معیارها فراهم باشد و بر این اساس، یک تجربه جزئی راستی‌آزمایی شود، اثبات می‌شود که شخصی واقعاً حقیقتی مرتبط با جهان پس از مرگ را تجربه کرده و این تجربه ناشی از دروغگویی، توهم یا فعل و انفعالات مغزی نبوده است. در اینجا در پذیرش واقعیت، تفاوتی بین فرد تجربه‌گر و بقیه وجود ندارد. اگر تجربه‌ای حاکی از واقعیات باشد، واقعیت نه فقط برای تجربه‌گر که برای تمام انسان‌ها اعتبار دارد و این سخن معقول نیست که کسی به صرف اینکه امری را خودش تجربه نکرده است، واقعیت را

نپذیرد. در امور حسی، اگر دیگری برای ما واقعه‌ای حسی را نقل کنند و بر اساس شواهد این نتیجه به دست آید که آن واقعه حسی، واقعی و صادق بوده است، این گواهی برای همگان اعتبار دارد، حتی برای کسانی که خودشان آن واقعه حسی را ندیده باشند، به همین نحو، اگر کسی تجربه نزدیک به مرگ داشته باشد و بر اساس شواهد توضیح داده شده، اثبات شود که این تجربه، واقعی بوده است، این حقیقت برای همگان اعتبار معرفتی دارد، حتی برای کسانی که شخصاً تجارب نزدیک به مرگ نداشته‌اند.

(د) راستی آزمایی تجارب دینی بر مبنای عقل یا نقل بدین معنا نیست که این تجارب هیچ‌گونه ارزش معرفتی مستقلی ندارند، بلکه چنانکه از مباحث پیشین روشن گردید، تجارب که تبیین طبیعی ندارد، دلیل مستقلی بر وجود روح و حیات پس از مرگ هستند.

با توجه به مطالب یادشده، نقدهای اساسی مخالفان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ که در مبحث قبلی توضیح داده شد، بدین شرح قابل پاسخ هستند:

چنانکه گذشت اگرچه ممکن است بتوان برخی از تجارب نزدیک به مرگ را بر اساس فعل و انفعالات مغزی تبیین کرد، بخشی از این تجارب هیچ‌گونه تبیین حسی ندارند. تعدد این موارد در بین ادیان و ملت‌های مختلف، احتمال دروغ‌گویی این افراد را نیز منتفی می‌کند. بنابراین ممکن است برخی دانشمندان بتوانند تبیینی علمی و حسی از برخی تجارب ارائه کنند و آن تجارب را بر اساس اموری چون فعل و انفعالات مغزی، ناخودآگاه، تأثیر داروهای خاص و ... تبیین کنند یا اینکه بگویند برخی از این تجارب به دروغ و فریب گزارش شده‌اند، اما این موارد جزئی، به معنای نفی ارزش معرفتی تمام تجارب نیست، زیرا چنانکه گذشت بخش زیادی از این تجارب دارای ویژگی‌هایی نظیر خیردادن از امور غیبی یا خبر دادن از آینده در حین تجربه، مشاهدات در زمان توقف فعالیت قلب و مغز، مشاهده افراد متوفی و به دست آوردن اطلاعات جدید از آنها و ... هستند که این امور تنها از طریق عامل فراطبیعی قابل تبیین است.

۱. چنانکه گذشت برخی از این شواهد در لحظه‌ای واقع شده که فعالیت‌های مغزی متوقف بوده، و در آن زمان فرد مشاهده‌گر فعالیت‌های پزشکان، پرستاران یا حتی افراد خارج از اتاق آی سی یو را مشاهده کرده است (Greyson, 2010: 161; Habermas, 2018: 231-234).

۲. اگرچه ممکن است برخی تجارب نزدیک به مرگ غیرواقعی بوده و تحت تأثیر محیط و شرایط پیشین یک فرد واقع شود، برخی وجوه مشترک در این تجارب در کنار تبیین ناپذیری حسی تجارب دینی، حاکی از این است که نمی‌توان تمام این تجارب را متأثر از فرهنگ و محیط خاص دانست. افزون بر اینکه در برخی موارد ممکن است فردی شخص مبهم و مرددی را مشاهده کرده و خود آن را بر یک پیامبر یا فرشته خاص تطبیق کرده است.

۳. اینکه در بعضی موارد فرد تجربه‌گر دیگری را با همان لباس پانزده سال پیش دیده است، نمی‌تواند عجیب بودن این تجارب را نشان دهد، زیرا دو احتمال در مورد این بدن وجود دارد که البته قضاوت میان این دو به لحاظ ادله عقلی و نقلی نیازمند بحث مستقلی است:

(الف) ممکن است در این تجارب افراد یکدیگر را با جسم مادی مشاهده نکرده‌اند، بلکه با نوعی وجود مثالی یکدیگر مواجه بوده‌اند. اینکه وجود مثالی فرد شبیه انسان پانزده سال پیش با همان لباس قبلی باشد، چیز عجیبی نیست، زیرا در آن مرحله لباس مادی وجود نداشته است که قرار باشد تغییر یابد یا تعویض شود. در اصطلاح فلسفه اسلامی، موجودات یا مادی هستند یا غیرمادی. موجودات غیرمادی (مجرد) یا فاقد هرگونه آثار مادی هستند که در این صورت مجرد عقلی خوانده می‌شوند، یا اینکه برخی آثار ماده (مثل بُعد، شکل و وضع) را دارا هستند که در این صورت مجرد مثالی نامیده می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۲۱-۳۲۲). در این تجارب، مشاهده‌گران از یک طرف فاقد ویژگی‌های مادی بوده‌اند (برای مثال می‌توانستند از دیوار عبور کنند یا اینکه دسترسی غیرحسی به مکان‌های دیگر داشته باشند) و از طرفی، ظاهر و شکل مادی را داشته‌اند و این چیزی است که با مفهوم مجرد مثالی در فلسفه اسلامی سازگار است. بنابراین این نقد نیز که چرا ارواح در این تجارب لباس خاصی با رنگ خاصی پوشیده‌اند یا اینکه دارای اعضای بدن مثل دست و پا بوده‌اند، با اصطلاح مجرد مثالی تبیین‌شدنی است. این افراد نه مجرد عقلی بوده‌اند و نه تمام خواص مادیات را داشته‌اند، بلکه در مرحله‌ای بینابین قرار داشته‌اند که مجرد مثالی نامیده می‌شود.

(ب) ممکن است این افراد بدن جسمانی متناسب با برزخ داشته‌اند و ظاهر لباس و ویژگی‌های دیگر این بدن جسمانی شبیه بدن دنیوی باشد.

۴. در مورد مشاهده افراد متوفی، باید تمام شواهد و قرائن را کنار هم گذاشت. چنانکه گذشت مدعا این نیست که تمام این تجارب واقعی‌اند، اما برخی تجارب که تجربه‌گر شخصی را مشاهده کرده که قبلاً خبر از وفات وی نداشته یا در حالت کُمای فرد تجربه‌گر فوت کرده است، تبیین طبیعی و حسی ندارند.

۵. در خصوص ایراد اختلافات در مشاهدات مربوط به حضرت عیسی (ع) یا موارد دیگر، چنانکه گذشت اساساً مدعا این نیست که تمام تجارب نزدیک به مرگ اعتبار دارند، بلکه ممکن است برخی تجارب قابل پذیرش نباشند و برخی نیز مشکوک باشند. همچنین در بسیاری از موارد ممکن است تناقضاتی در تجربه یک مورد خاص وجود داشته باشد که حاکی از این است که حداقل برخی تجارب اعتبار کافی ندارند. اما مدعای اصلی این مقاله این است که در بین تجاربی که ضد عقلی و نقلی نبوده و به‌وسیله راه‌های یادشده (مثل حکایت از واقعیاتی که فرد دسترسی به آنها نداشته و ...) راستی‌آزمایی شود، قابل پذیرش هستند.

نکته دیگر اینکه اختلاف مشاهدات تجربه‌گران (برای مثال اینکه فردی نورانی را دیده و دیگری عذاب را دیده) می‌تواند ناشی از تفاوت اعمال انسان‌ها باشد. برای نمونه در قرآن کریم بیان شده است که عزرائیل برای انسان‌های خوب، با چهره‌ای شاد و بشاش (نحل/۳۲) و برای انسان‌های بد با چهره‌ای عصبانی و ترسناک (فرقان/۲۲) ظاهر می‌شود.

۵. نتیجه

اگرچه نمی‌توان تمام تجارب نزدیک به مرگ را معتبر دانست و بلکه برخی از این تجارب بی‌شک فاقد اعتبار کافی‌اند، اما بر اساس برخی شواهد برخی از این تجارب به‌عنوان دلیل مستقلی، از ارزش معرفتی کافی برخوردارند. این تجارب دو چیز را اثبات می‌کنند: ۱. انسان دارای روح غیرمادی است. این روح غیرمادی در این تجارب از بدن انسان خارج می‌شود و می‌تواند اموری را در داخل این اتاق یا خارج این اتاق ببیند که دسترسی حسی به آن ندارد. حتی این فرد می‌تواند با ارتباط گرفتن با افراد متوفی، اطلاعات جدیدی را از آنها دریافت کند که دیگران به آن دسترسی ندارند؛ ۲. زندگی انسان محدود به این دنیا نیست و جهان پس از مرگ، بهشت و جهنم وجود دارند. افرادی که تجارب نزدیک به مرگ را داشته‌اند (اگرچه واقعاً از دنیا نرفته‌اند)، اما خداوند اراده کرده است که گوشه‌ای از حقایق مربوط به پس از مرگ و بخشی از نعمت‌ها و عذاب‌ها را به آنها نشان دهد.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن سینا (۱۳۸۱). الاشارات و التنبیها. قم: بوستان کتاب.
۲. اعتمادی‌نیا، مجتبی (۱۳۹۱). بررسی انتقادی تفسیر زالسکی از تجربه‌های نزدیک به مرگ. هفت آسمان، ۱۴(۵۵)، ۷۹-۹۸.
۳. جیمز، ویلیام (۱۳۸۹). تجربه دینی: اصل و منشأ دین. در درباره تجربه دینی (ویرایش مایکل پترسون و ...). ۱۳۸۸، تهران: هرمس.
۴. خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایه الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. رضایا، حمید و اعتمادی‌نیا، مجتبی (۱۳۹۳). تجربه‌های نزدیک به مرگ: بررسی چستی و نحوه دلالت آن در اثبات حیات پس از مرگ. پژوهش‌های ادیانی، ۳، ۸۹-۱۰۸.
۶. ساعی، محبوبه و قاسمیان نژاد، علی‌نقی (۱۳۹۳). بررسی چستی تجربه نزدیک به مرگ و نقد دیدگاه‌های متناظر با آن. اندیشه نوین دینی، ۱۰(۳۸)، ۷-۲۴.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). نه‌ایه الحکمه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. فلاحتی، حمید؛ فعالی، محمدتقی و الله بداشتی، علی (۱۳۹۸). تناسخ و مسئله تجربه‌های نزدیک به مرگ. فلسفه دین، ۱۶(۲)، ۳۲۹-۳۴۹.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۱۰. گوهری، عباس (۱۳۸۸). نقدی بر واقع‌نمایی تجربیات لحظات نزدیک به مرگ بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات. پژوهش دینی، ۱۸، ۸۳-۱۰۳.
۱۱. موزون، عباس (کارگردان). (۱۴۰۱). زندگی پس از زندگی (تجربه ایمان عبدالملکی). شبکه ۴، ۴ و ۵ اردیبهشت <https://tv4.ir/episodeinfo/295944>، ۱۴۰۱.
۱۲. موزون، عباس (کارگردان). (۱۴۰۰الف). زندگی پس از زندگی (تجربه بهروز عظیمی). شبکه ۴، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰، <https://tv4.ir/episodeinfo/246572>
۱۳. موزون، عباس (کارگردان). (۱۴۰۰ب). زندگی پس از زندگی (تجربه مهدی اسفندیاری). شبکه ۴، ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰، <https://tv4.ir/episodeinfo/246905>
14. al-Kulayni, M. I. Y. (1986). al-Kāfi. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. (in Arabic)
15. Audi, R. (2005). Epistemology. London and New York: Routledge.
16. Augustine, K. (2015). Near-Death Experiences are Hallucinations. In The Myth of an Afterlife (Michael Martin and Keith Augustine). United States of America: Rowman & Owman & Littlefield.
17. Avicenna (2002). Al-isharat wa al-tanbihat. Qom: Bustan Ketab Publishing. (in Persian)
18. E'temadi, M. (2012). A critical examination of Zaleski's interpretation of near-death experiences. Haft Aseman, 55, 79-98.
19. Falahati, H., & Fa'ali, M. T., & Allah Bedashti, A. (2019). Reincarnation and the Question of Near-Death Experiences. Philosophy of Religion, 16(2), 329-349. (in Persian)
20. Gohari, A. (2009). A critique on the reality of near-death experiences based on the teachings of the Qur'an and hadiths. Pazhouhesh Dini, 18, 83-103. (in Persian)
21. Greyson, B. (2010). Seeing Dead People Not Known to Have Died: "Peak in Darien" Experiences. Anthropology & Humanism, 35(2), 159-171.
22. Greyson, B.I & Bush, N. E. (1992). Distressing Near-Death Experiences. Psychiatry, 55(1), 95-110. <https://doi.org/10.1080/00332747.1992.11024583>
23. Habermas, G. R. (2018). Evidential Near-Death Experiences. In The Blackwell Companion to Substance Dualism (Jonathan J. Loose, Angus J. L. Menuge, and J. P. Moreland). USA: Wiley- Blackwell.
24. Hasker, W., & Taliaferro, C. (2019). Afterlife. The Stanford Encyclopedia of Philosophy. [https://doi.org/Edward N. Zalta \(ed.\), URL = <https://plato.stanford.edu/archives/spr2019/entries/afterlife/>](https://doi.org/Edward N. Zalta (ed.), URL = <https://plato.stanford.edu/archives/spr2019/entries/afterlife/>).
25. Hick, J. (1990). Philosophy of Religion (4th ed.). USA: Prentice-Hall.
26. James, W. (2010). Religious Experience. on Religious Experience. Malek Hoseini, Tehran: Hermes. (in Persian)
27. Kellehear, A. (2003). Near-Death Experiences. In Encyclopedia of Death and Dying (Robert Kastenbaum). USA: Thomson Gale.
28. Khorasani, M. K. (1988). Kefayah al-Osoul. Qom: institute of Islamic publication (in Arabic).
29. Marsh, M. N. (2018). The Phenomenology of Near- Death and Out-of-Body Experiences: No Heavenly Excursion for "Soul. In The Blackwell Companion to Substance Dualism (Jonathan J. Loose, Angus J. L. Menuge, and J. P. Moreland). USA: Wiley- Blackwell.

30. Moody, R. A. (2001). Life After Life. HarperOne.
31. Moody, R. (2010). The NDE Phenomenon. In There Is Life After Death (Roy Abraham Varghese). USA: New Page Books.
32. Mowzoon, A. (director) (2021a). TV show "Life After Life" (the experience of Behrouz Azimi), Chanel 4 of Iran, 14 Ordibehesht 1400 SH, <https://tv4.ir/episodeinfo/246572>. (in Persian)
33. Mowzoon, A. (director) (2021a). TV show "Life After Life" (the experience of Mahdi Isfandiari), Chanel 4 of Iran, 17 Ordibehesht 1400 SH, <https://tv4.ir/episodeinfo/246905>. (in Persian)
34. Mowzoon, A. (director) (2022). TV show "Life After Life" (the experience of Iman Abdolmaleki), Chanel 4 of Iran, 4 and 5 Ordibehesht 1401 SH, <https://tv4.ir/episodeinfo/295944>., (in Persian)
35. Rezaia, H., & Etemadi-nia, M. (2014). Near-Death Experiences; a Survey on Their Nature as Proof of Afterlife, Journal of Religious Research, 2(3), 89-108. (in Persian)
36. Sa'ee, M., & Qasemian Nejad, A.N. (2014). Investigating what the near-death experience is and criticizing the views corresponding to it. A Research Quarterly in Islamic Theology (kalam) and Religious Studies, 10 (38), 7-24. (in Persian)
37. Tabataba'i, S. M. H. (1981). Nihayah al-Hekmah,. Qom: institute of Islamic publication. (in Arabic)

